

## السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ

\* حجت در لغت به معنای نمایانگر و دلیل و برهان است. 89 جمع آن حجج است که هنگام بحث و گفتگو با طرف مقابل به کار گیرند، خواه آن دلیل درست و مورد قبول خردمندان باشد یا آن دلیل باطل و مردود باشد .

### معنای حجة الله

حجت خدا کسی است که وجود او زبان گویای دلائل الهی و نمایانگر تمامی حقائق دین است و انسانها به توسط او به سوی خدا راهنمایی میشوند و به او می رسند، با وجود حجت الهی در زمین عذری برای ندانستن یا شانه خالی کردن از مسؤولیتها نخواهد ماند (باقی نمی ماند) لذا خداوند به وسیله حجتش بر بندگان احتجاج میکند و از ایشان سؤال نموده و احياناً مورد بازخواست قرار میدهد و بندگان هم به واسطه او در نزد خدا اقامه حجت میکنند .

### امامان حجج الهی هستند

امام صادق میفرماید: الْأَوْصِيَاءُ هُمُ أَبْوَابُ اللَّهِ ... وَ بِهِمْ احْتَجَّ اللَّهُ - تبارک و تعالی علی خلقه .

امامان ابواب خداوندند عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ خداوند تبارک و تعالی با وجود آنهاست که بر بندگانش احتجاج میکند. 90

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند، رسول خدا فرمودند: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ أَبْنَاءَهُ حَجَجَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ - وَ هُمُ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي - مِنْ اهْتَدَى بِهِمْ هَدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ خداوند علی و همسرش و فرزندان او را حجت‌های خودش بر بندگان قرار داده است، آنها درهای علم در بین امت هستند، هر که از آنها هدایت را بجوید به راه راست هدایت میشود. 91

### \* امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ حجة الله است

در توقیعی از جانب امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ که توسط محمد بن عثمان به دست ما رسیده است آمده: و اما الْوَأْدُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ أَحَادِيثًا فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ اما در حکم پیشآمدهای تازه بر او یان حدیث ما رجوع کنید زیرا آن ها حجت بر شماست و من حجت بر آنهایم. 94

### \* حرکت بدون شناخت حجت الهی گمراهی است

در دعایی منقول از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ میخوانیم: اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛

خدایا خودت را به من بشناسان چراکه اگر تو را نشناسم پیامبرت را نخواهم شناخت، خداوند فرستاده ات را به من بشناسان چراکه اگر فرستاده ات را به من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت، خداوند حجتت را به من بشناسان چراکه اگر حجتت را به من نشناسانی گمراه میشوم. 95

89 - لسان العرب، ج 2، ص 822

90 - کافی 1/477

91 - شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 67

92 - مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنین علیه السلام، ص 751

93 - الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، النص، ص 372

94 - کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 484

95 - الغیبة (للعنماني)، النص، ص 661

اگر خداوند بخواهد به واسطه وجود امام و حجتش بر خلق خود دلیل و برهان را تمام نماید و احتجاج کند می بایست؛

اولاً: این حجت در نهایت علم و آگاهی باشد تا ذره‌ای هم از جهل جاهلان نتواند عذری برایشان باقی بگذارد.

ثانیاً: این حجت مصون از لغزش و خطا بوده تا باز عذری برای بد دلان و بدکاران باقی نماند.

### \*الان که حجت خدا در بین ما ظاهر نیست چکار کنیم؟\*

اسحاق بن یعقوب می گوید: از محمد بن عثمان عمری (ره) خواستم که نامه ای از من به حضرت قائم برساند

در توقیعی از جانب امام عصر علیه السلام که توسط محمد بن عثمان به دست ما رسیده است آمده: و اما الْحوادثُ الْواقعةُ فَارجعوا فیها إلی رواةِ احَا دیننا فَإِنَّهم حجتی علیکم وأنا حجةُ الله علیهم؛ اما در حکم پیشآمدهای تازه براویان حدیث ما رجوع کنید زیرا آن ها حجت بر شماست و من حجت بر آنهایم. 94

امام علی (ع) تکلیف مردم را در عصر رهبری غیر معصوم، مشخص کرده است. ایشان در قسمتی از سفارش نامه مالک اشتر به او می فرماید:

«به قاضیان شهرهای خود بنویس تا هر حکمی را که در حق و ناحق بودنش اختلاف دارند، به تو ارجاع دهند. سپس آن احکام را بررسی کن و هر چه را موافق کتاب خدا و سنت پیامبر او و دستور امام توسست، امضا کن و آنان را به اجرای آن، وا دار. هر چه بر تو مشتبّه شد، دین شناسانی را که نزدت هستند، گرد آور و با ایشان، مباحثه کن و آن گاه، آرای دین شناسان مسلمان حاضر بر هر چه قرار گرفت، همان را امضا کن؛ زیرا هر حکمی که مورد اختلاف شهروندان است، به امام ارجاع می شود و بر امام است که از خدا، یاری جوید و در بر پا داری حدود و وا داشتن شهروندان به فرمان خدا بکوشد». [سیاست نامه امام علی (ع): ص ۵۲۱].

امام صادق (ع) فرمودند: هر گاه (فقیه) بر اساس حکم ما حکم نماید هر کس از او پیروی نکند حکم خدا را سبک شمرده است و مخالفت با ما کرده است و مخالفت با ما، مخالفت با خداست که در حد شرک است. [وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۶۷، شیخ حر عاملی].

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء ۵۹)

### \*ما باید نسبت به اعمال خود در روز قیامت پاسخ گو باشیم و حجت داشته باشیم\*

آیه ۱۴۹ سوره مبارکه انعام، ایشان را دلیل رسا معرفی نموده و می فرماید: ((قُلْ لِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ))؛ «بگو دلیل رسا، خاص خدا است و اگر می خواست شما را یکسره هدایت کرده بود».

در تفسیر این آیه شریفه، از اهل بیت نقل شده که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَبْدِي أَ كُنْتَ عَالِمًا؟ فَإِنْ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ لَهُ: أَفَلَا عَمِلْتَ بِمَا عَلِمْتَ؟ وَ إِنْ قَالَ: كُنْتُ جَاهِلًا، قَالَ لَهُ: أَفَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ، فَيُخَصَّمُهُ، فَتَلِكِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ». البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۹۲ و تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

«خداوند در روز قیامت به بنده گناهکار خود می گوید: بنده من! آیا عالم بودی؟ اگر بگوید: بله، می فرماید: چرا به آن چه می دانستی عمل نکردی؟ اگر بگوید: جاهل بودم، می فرماید: چرا نیاموختی تا عمل کنی؟ پس به این صورت با او مخاصمه میکند و این است حجت بالغه الهی».

امام هفتم علیه السلام درباره حجت های الهی می فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَنْبِيَاءُ عَ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ خداوند دو حجت بر مردم دارد؛ حجتی ظاهری و حجت باطنی. اما حجت ظاهری، انبیا و رسولان و ائمه هستند و حجت باطنی عقل های مردم».

## ودلیل ارادته

دلیل در لغت از ماده دلالة است. دلالت به معنی نشان دادن و ارشاد است. راغب گوید:

دلالت آنست که با آن بمعرفت و شناختن چیزی برسند مثل دلالت لفظ بر معنی ... «مادل هم علی موتها إلا دابة الأرض...» 97 «یعنی مردم را بر مرگ سلیمان دلالت نکرد مگر حشره زمین.

لذا دلیل به معنای راهنما، رهبر، نشانگر و علامت و نمودار میباشد. 98

اراده در لغت از ماده رود به معنای طلب کردن خواسته، میل و رغبت، آهنگ و قصد کردن است. 99.

اراده خداوند، مشیت و خواست و تقدیر و ایجاد و فرمان اوست، و آن بر دوگونه است:

الف. تکوینی: خواست و ایجاد قطعی و غیر قابل تغییر خداست که بدون تخلف و تأخیر واقع می-شود، چنانکه فرموده است: **إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ** امر خداوند چنین است که هرگاه چیزی را اراده نماید، به محض آنکه بگوید باش. پس به طور حتم و بی درنگ بوجود می-آید. 100

ب. تشریحی: فرمان و دستور خدا به اطاعت و نهی از گناه و نافرمانی است و در آن جبری نیست، هرگاه بندگان فرمان او را بکار بندند ایشان را پاداش میدهد و چنانچه معصیت نمایند آنها را به کیفر میرساند.

**\* اراده امامان معصوم علیهم السلام جدا از اراده ی خداوند نیست**

امام کاظم علیه السلام میفرماید: **إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ الْأَنْبِيَاءِ مَوْرِدًا لِأِرَادَتِهِ - فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شَيْئًا سَأَوْهُ وَهُوَ قَوْلُهُ وَ مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ**؛ خداوند قلوب امامان را محل اراده خود قرار داده است پس اگر خداوند چیزی را اراده نماید ایشان نیز اراده مینمایند و این تفسیر همان قول خداوند در آیه 92 سوره تکویر است که فرمود: و نمی خواهید مگر آنچه را که پروردگار عالمیان میخواهد. 101

96 - الغبقری الحسان، ج 1، ص 23

97 - سبأ 14 /

98 - قاموس قران، ج 2، ص 453

99 - قاموس قران، ج 3، ص 441

100 - بیس 82 /

101 - تفسیر القمی، ج 2، ص 904

امام صادق علیه السلام میفرماید: **... إِنَّ الْإِمَامَ وَكَرُّ لِرَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَشَاءُ إِلَّا مَنْ يَشَاءُ اللَّهُ ...**؛ امام آشیانه ای برای اراده خداوند است، اراده نمی کند مگر آنچه خداوند اراده میکند. 102

**\* مراتب اراده بندگان در ارتباط با اراده خداوند:**

مرتبه نخست:

آن است که بنده اراده اش را تابع اراده خدا قرار دهد هر چه خدا می خواهد او همان را بخواند. این حقیقت از گفتگوی جابر بن عبدالله انصاری با حضرت باقر علیه السلام استفاده می شود.

در آخر عمر - که به ضعف پیری و ناتوانی مبتلا شده بود، حضرت باقر حاش را پرسید. عرضه داشت: در حالی هستیم که پیری و مرض و مرگ نزد من از جوانی و سلامتی و حیات محبوبتر است.

امام علیه السلام فرمود:

اما من اگر خدا جوانی یا پیری، مرض یا عافیت، مرگ یا حیات را برایم قرار دهد و بخواهد، من هم همان رامی خواهم و می پسندم. 103  
مرتبہ دوم:

اتحاد اراده ی عبد است با اراده ی رب. در این مقام، گویی بنده خود را مسلوب الاراده ساخته است. اگر از او پرسند: چه ارادهای داری؟ چه می خواهی؟ می گوید: من اراده ندارم چیزی نمیخواهم.

این از اسرار عجیبه و نکات دقیقه ای است که توجه به آن بیشتر لازم است.

انسانی که کمال او به اراده و اختیار اوست، کمال اراده و انسانیت او به این است که خود را مسلوب الاراده نماید و در برابر اراده خدا هیچ اراده ای از خود نداشته باشد. در مرحله سابق اراده بود ولی تابع بود. در این مرحله اصلا اراده ای نیست. گویای این مقام سخن

حضرت سجاد علیه السلام است که میفرماید:

وقتی سخت بیمار شدم. پدر بزرگوارم به من فرمود: چه می خواهی؟ گفتم: می خواهم که در آنچه پروردگارم برای من تدبیر می کند (و رقم می زند) پیشنهادی نداشته باشم. فرمود: آفرین که با خلیل خدا ابراهیم مشابَهت داری؟ وقتی جبرئیل به او گفت: چه می خواهی، همین پاسخ را داد. 104

در این مقام، اراده بنده در اراده حق - تعالی - فانی است. فقط یک اراده نمود دارد و آن اراده خداست. دیگر چیزی نیست. اگر کسی موفق شود در این وادی قدم بردارد به لذائذی می رسد که قابل توصیف نیست و در بحبوحه بلایا و کوران حوادث آنچنان آرامشی دارد که به تصور نمی آید.

مرحله سوم:

بالتر از این دو مرحله است و آن این است که عبد به مقامی برسد که اراده او دلیل اراده خدا باشد و از طریق اراده او بتوان به اراده پروردگار پی برد. این جمله زیارت آل یس ناظر به این مرحله است .

در مرحله اول اراده بنده تابع اراده خدا بود و از اراده خدا به اراده بنده خدا پی می بردیم. در مرحله دوم دو اراده ای از بین رفته بود. یک نمود اراده بود. ولی مرحله سوم عکس مرحله اول است اگر می خواهیم بفهمیم خدا چه اراده ای دارد، باید ببینیم امام چه اراده دارد. برای دانستن این که مراد خدا چیست، باید دید تعلق حجت خدا چیست؟

مشیت الهی بر این تعلق گرفته است که مستضعفان را وارثان و پیشوایان زمین قرار دهد: ((وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))،

ما در برابر او خواستیم بر آنان که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهاده، ایشان را پیشوایان خلق کنیم و وارث دیگران قرار دهیم. سوره قصص، آیه 5.

201 - بحار الأنوار، ج 52، ص 583

301 - مسکن الفؤاد عند فقد الأُحبة و الأولاد، ص 78

401 - الدعوات (للاخوانی) / سلوة الحزین، النص، ص 861